

ترس خنده دار

شب در اتاقم
یک سایه دیدم
ترسیدم از آن
جیغی کشیدم

من فکر کردم
شاید هیولا است
یا بچه لولو
در خائنی ماست

آهسته رفتم
نزدیک سایه
دیدم کلاهی ست
روی سه پایه

خندیدم آن وقت
از ترس هایم
این ماجرا شد
درسی برایم

سمیره بروانیا

فائزه آیتی

